



رتال جامع علوم انسانی

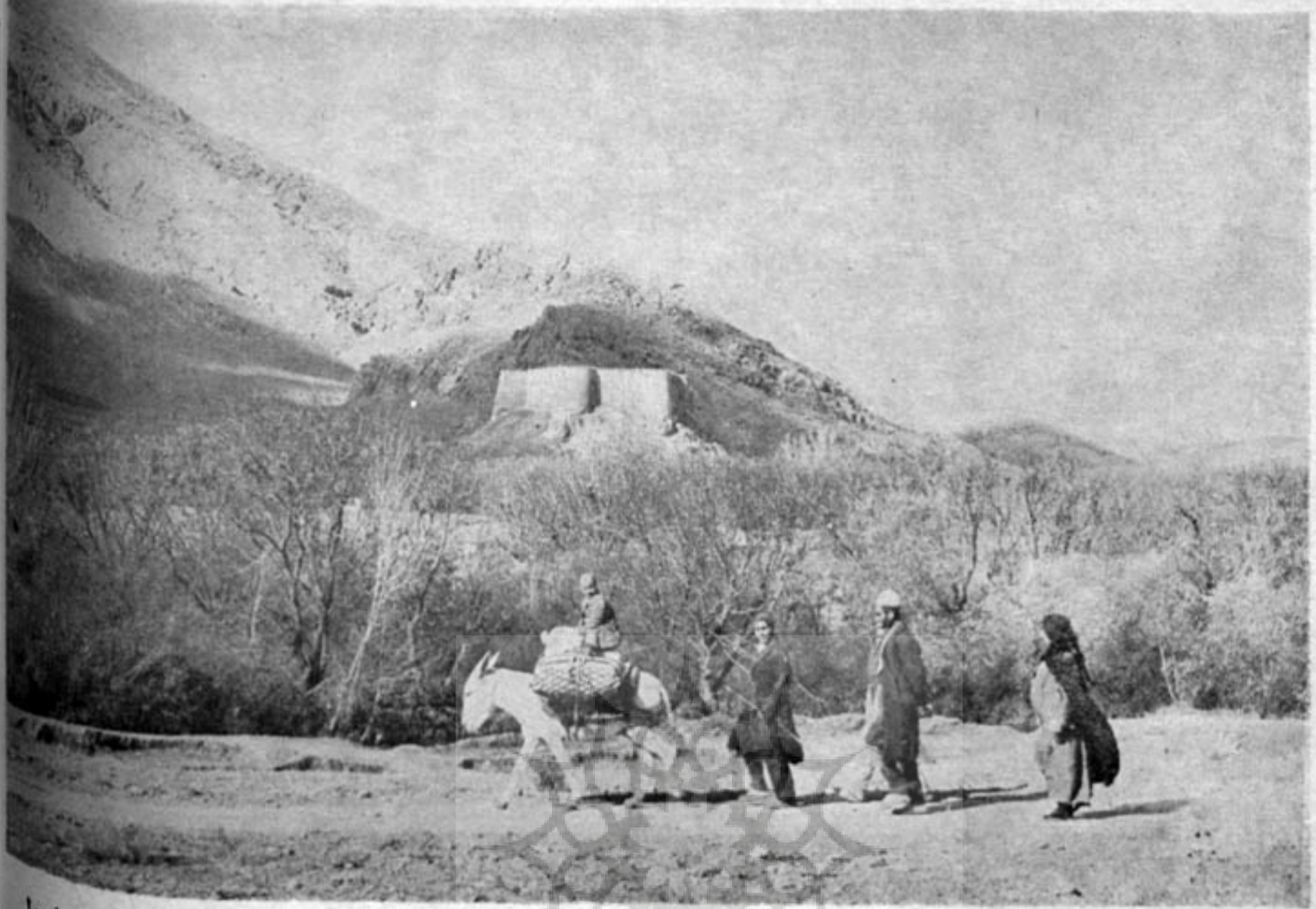
لرستان

سرزمین پردرخت

لرستان یعنی اراضی لر نشین و آن ناحیتی است وسیع بمغرب ایران که از شمال محدود است بکرمانشاه و از مشرق بکوههای بروجرد و ملایر و از مغرب بعراق و از جنوب بخوزستان معجم البلدان مینویسد: لرستان بدون ناحیه تقسیم میشود. پیشکوه و پشتکوه و خط مرز این دوناحیت رود سمیره است. از نظر جغرافیائی پشتکوه و پیشکوه کاملاً یکدیگر شباهت دارند ولی از نظر سکنه و طوایفی که در این محل ساکن هستند با یکدیگر اختلافاتی دارند. لرستان دارای رشته‌های جبال مرتفعی است که کاملاً هم‌اوازی یکدیگرند و دره‌های عمیقی آنها را از هم جدا می‌کند و هر قدر بجنوب‌تر پیش رویم ارتفاع این دره‌ها کمتر میشود. در کوههای لرستان بطور عموم معادن مهم‌فیر موجود است که اگر استخراج شود علاوه بر دفع حوائج تمام داخله از حیث استعمال در جاده‌ها و خیابان‌ها و غیره میتوان قسمتی را بخارج حمل کرد.

آب‌وهوای لرستان مانند تمام نواحی کوهستانی سیار مختلف و متغیرو کوههای آن که منوجه فلات است پنجهزار گز ارتفاع دارد. در صورتیکه دره سمیره فقط هفتصد گز ارتفاع دارد. از نظر آب و هوا میتوان این ناحیه را به چهار قسمت منقسم کرد.

منتهی



کوچ يك خانوادہ لر

و کاج مخصوصا در قلیان کوه و پس از آن مراتع تابستانی که تا وسط جنگل ها پیش میرود وجود دارد و از این مراتع بقدری گلپای رنگارنگ از قبیل زنبق و لاله فراوان است که در موقع بهار بهترین مناظر زیبا را تشکیل میدهد و نباتات صغری و طبی متعددی در تمام این نواحی یافت میشود که تا حدی خوب ارها از آن استفاده میکنند درختان این ناحیه انواع بلوط و چنار و افرا و افاقیا و غیره است و در ناحیه آبدیز نقاطی یافت میشود که درختان موآنچیر و انار مخلوط با درختان دیگر است و از آنجا و پیچک بشاخه های آنها بیچیده و در آنجا تشکیل آبشارهایی میدهد که اغلب از نباتات مستور است . سکنه این نواحی لرها و کردها هستند که از حیث قیافه کاملا بهم شبیهند ولی از حیث زبان بایکدیگر اختلاف دارند. سکنه واقع در شمال غربی آبدیز یکی موسوم به

طوایف مهم آنها کالوند و کولیوند و در دشت خاوه حسن وند ، برانوند و آلوند و سگوند و در دشت اشتروار بطرف خرم آباد و در قسمت جنوبی ، پایی و چکمی و جواکی و امیر کوند هستند که بین یافته کوه و دره سمیره سکنی دارند.

تنها شهر لرستان خرم آباد و آن شهر است که در حدود هفت هزار نفر جمعیت دارد و دره تنگی واقع شده که کشکان رود از آن میگذرد.

خرم آباد در اطراف تپه ای بنا شده که ظاهر آن در دوره های قدیم مرکز توقف قشون برای محافظت اطراف بوده است . خرم آباد بخاطر اهمیت محلی مرکز خرید و فروش لرها محسوب میشود . در سر راه خرم آباد به سمیره قلعه ایست موسوم به ناسر آباد که مرکز رؤسای ایل لرستان میباشد.

نباتات لرستان بسیار مختلف است در قسمت های مرتفع غلات و نباتات کوهستانی و قدری پائین تر از آنها سرو

کله های طوایف مختلفی که از کوه ها فرود می آیند در این زمینها چراسی کنند و همینکه هوا مجددا شروع بگرمی کرد کله دارها حیوانات خود را ب قسمت های مرتفع میرانند.

حرارت تابستانی در این دره ها بعدی زیاد است که کاروانها فقط در هنگام شب حرکت میکنند و اگر روز مبادرت باینکار کنند بسیاری از حشم آنها تلف خواهد شد .

لازم بتذکر است که سکنه لرستان در مناطقی که مجاور اقوام دیگری بوده اند تا حدی با آن ها مخلوط شده و آثار و علائم نژادی آن ها تغییر کرده است .

مثلا در شمال با کردها و در جنوب شرقی با بختیاریها و در مغرب با سکنه عراق و در جنوب با اهالی خوزستان اختلاط یافته اند.

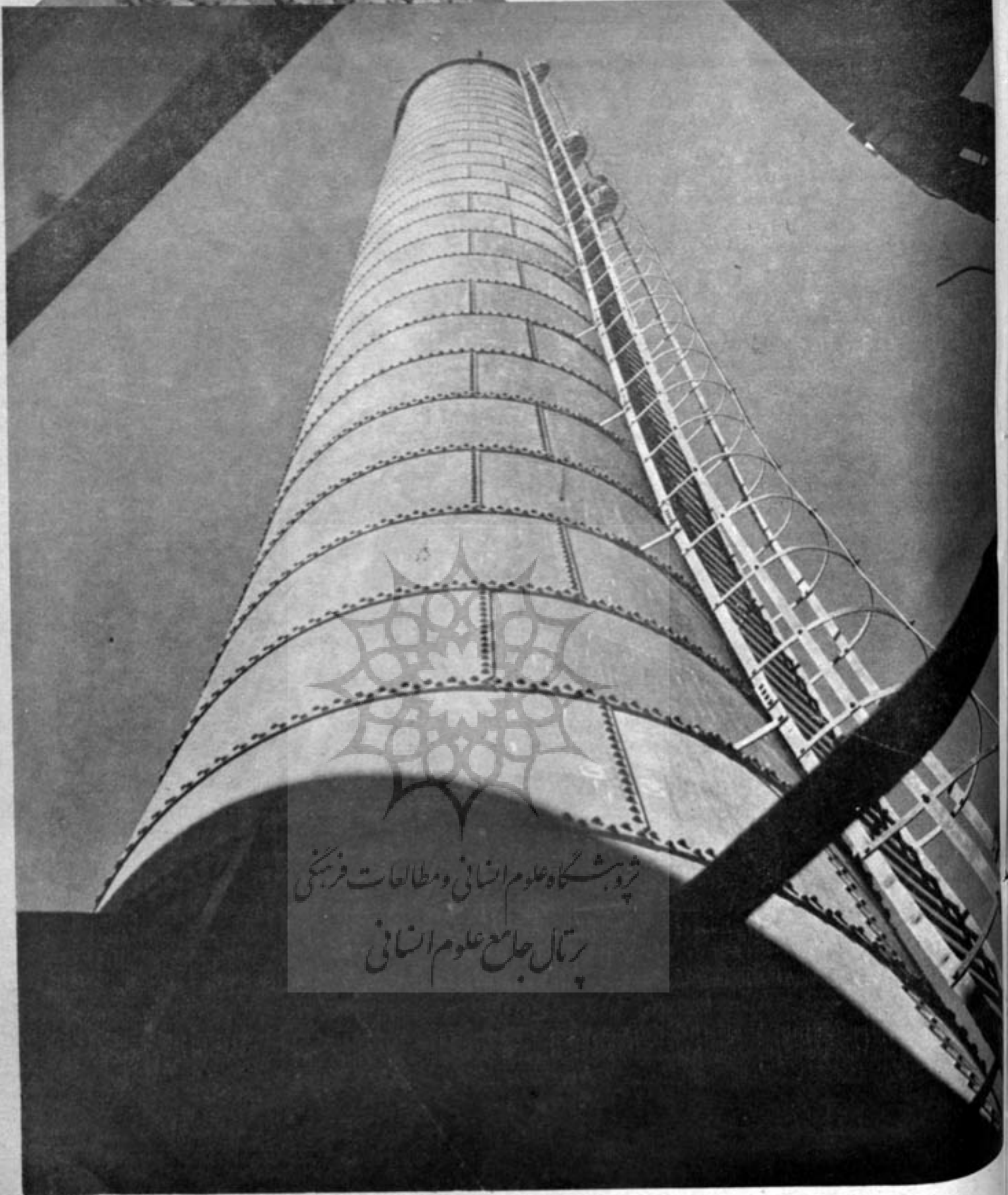
لرهای فعلی ساکن ناحیه واقع بین کوه چهل نابالغان و دره کاماسب و دره سمیره و آبدیز میباشد و

اول قزل مرتفع از دو هزار تا پنج هزار گز که در موقع زمستان پوشیده از برف بسیار است و در تابستان آب فراوان دارد .

دوم - دره ها در تابستان بسیار گرم و خشک و در زمستان بی نهایت سرد و در بهار و پاییز بارندگی فراوان دارد ، ارتفاع این دره ها از هزار و دویست تا دو هزار گز است و اشترانکوه آن ها را از بادهای شمالی محافظت میکند و اگر چه برف بسیار میبارد ولی بادهای سرد ندارد و تبدیل فصول یکم رتبه و ناکهانی است.

سوم - ناحیه جنگلها بین دره سمیره و کوه های خرم آباد واقع شده و بواسطه درخت فراوان هوای ملایم و مطبوع دارد در این ناحیه هیچوقت چشمه ها خشک نمیشود .

در ناحیه قشلاقی، در موقع تابستان هوا بکلی خشک و سوزان و گرمای آن قابل تحمل نیست ولی در زمستان زمینها پوشیده از علفهای سبز است.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایی از کارخانه سیمان دورود

پن
ان
فی
بود
۱۹
های
۴۴
مان
های
در
تق
بوط
رات
بزان
۸۰۰

کردلکی و قسمت دیگر دارای زبان لری است.

در نسیمه لر

طایفه لر از مذمعات لر بزرگ هستند صاحب زبده التواریخ مینویسد که

لر را بدان جهت گویند که در ولایت «مانرود» قریه ایست موسوم به ارد و در آن حدود در بندی است نه آنرا بزبان لری «کول» گویند و در آن در بند موضعی است که آن را لر خوانند.

چون اصل این جماعت از آن موضع برخاسته اند «لران» نامیده میشوند و جبهی دیگر اینکه بزبان لری

کوه پردرخت را «لر» گویند و جای پردرخت را لرستان. وجه سوم این که ایشان از نسل کسی باشند که موسوم به لر بوده و هر لغتی که در زبان لری نبوده از زبان دیگر نقل می کردند. در زبان لری میگویند این حروف نباشد: «ح س ز ع غ ق»

رسوم و خصائص

اهل لرستان مقید بخانه و عمارت نیستند و اغلب در زیر چادر ها زندگی میکنند. گذران آن ها اغلب از کوسفند و گاو و محصول طبیعت است زبان آنها مخلوطی است از زبان پهلوی و فارسی رئیس آن ها یک نفر خان است که از طرف شاه ایران

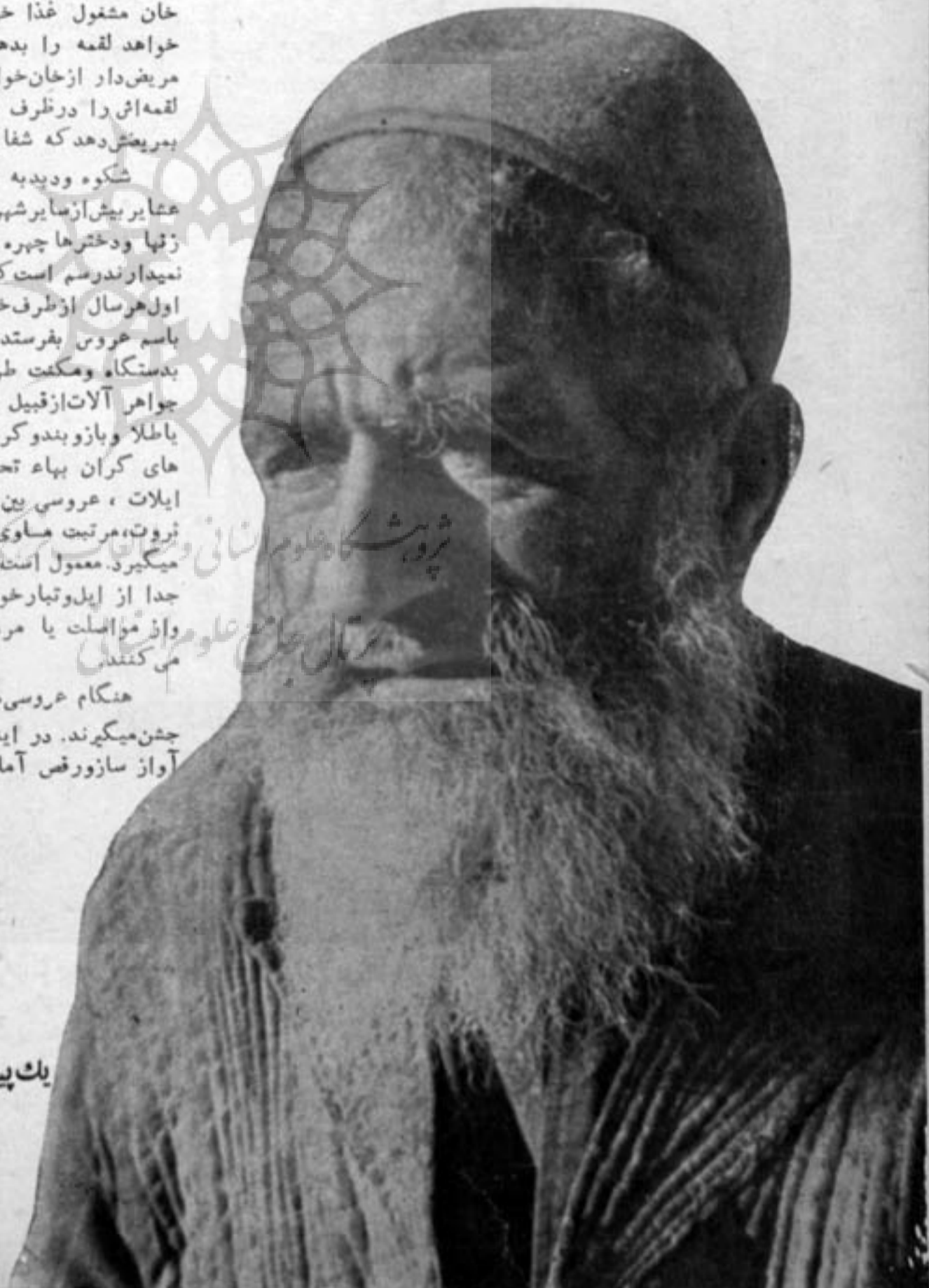
منسوب میشود این خان باید از میان خود طایفه منتخب شود و اغلب از یک طایفه انتخاب میشود ریاست موروثی است و تا یک اندازه دارای آزادی هستند.

در لرستان زن گرفتن متعدد مطابق شرع جایز است با اینکه مهریه زن را خیلی جزئی مقرر میکنند اما طلاق در میان آنها کمتر معمول است.

هنگامیکه یکی از خوانین جنگ بزرگی در پیش داشته باشد بتعام خوانین جزو کدخدایان کاغذ مینویسد و از هر دسته بقدر قوه سوار و پیاده معین مینماید که در فلان محل حاضر شوند ایل بر رئیس و خان خود بسیار احترام می گذارد بطوریکه رسم است اگر کسی مریضی داشته باشد هنگامی که خان مشغول غذا خوردن است و می خواهد لقمه را بدهان ببرد شخص مریض دار از خان خواهرش میکند که لقمه اش را در ظرف او بیندازد تا بمریضش دهد که شفا یابد.

شکوه و دید به عروسی ایلات و عشایر پیش از سایر شهرهای ایران است. زنها و دخترها چهره خود را مستور نمیدارند رسم است که داماد باید در اول هر سال از طرف خود تحفه و تعارفی باسم عروس بفرستد و اهمیت آن بسته بدستگاه و مکتب طرفین است. غالباً جواهر آلات از قبیل سنگهای قیمتی یا طلا و بازو بند و گردن بند و پارچه های کران بهاء تحفه می فرستند. در ایلات ، عروسی بین دو نفر که از حیث ثروت، مرتبت مساوی هستند انجام میگردد. معمول است که به بیگانه و جدا از ایل و تبار خود دختر نمیدهند و از مواسلت یا مردم شهر اجتناب می کنند.

هنگام عروسی مدت چندین روز جشن میگیرند. در اینگونه جشن ها آواز ساز و رقص آماده بوده و اسباب



یک پیر مرد لر

شادی و فرح برای همه فراهم می آورند زنها و مردها بطور دایره شروع برقص می نمایند و با آهنگ های مخصوص خود رقص می کنند ، مهمانان سیار هستند و نهار و شام را در چادر یا در زیر آسمان می چینند . قبل از عروسی روزها مردها و جوانان سوار اسب شده و روی اسب حرکات فوق العاده و مشقهای حیرت انگیز میکنند و خود را برای روزهای عروسی آماده مینمایند در روز یا در ساعت معین مردها وعده زیادی از زنان سوار شده و با ساز و دهل بطرف ایل عروس حرکت میکنند حتی گاهی یکی دوروز در راهند. در ظرف این مدت جنگ مصنوعی و بازی روی اسب ابدأ قطع نمیشود .

در میان عشایر هر وقت دختری به مزاجت میدهند پدر میلی پول دریافت میدارد و کسیکه در خانه چند دختر دارد مثل آنست که صاحب چشمه ثروتی است. عروس جهاز بسیار مختصری بجهت داماد میآورد و این بر عکس مرسومات شهر است. میلی که شوهر میدهد موسوم است به شیر بها .

معمولات مذهبی و قانونی که راجع بقرارداد عروسی است در همان روزی اجرا میشود که میآیند عروس را نزه اقوام جدیدش میبرند. خیلی کم اتفاق میافتد و نادر است که قباله عروس قبل از روز مزبور نوشته شده باشد . وقتی که ساعت خوب نیست عروس باید چند روز در خانه اقوام جدیدش بسر ببرد بدون اینکه مجاز باشد شوهر خود را ببیند شب دهل زنان عروس را به سبیل های که در عمارت و یاد چادر واقع است هدایت مینمایند و در آنجا نیز رقص شروع میشود .

در مرسوماتی که قبل از عروسی معمول است شوهر همیشه غائب است فقط آن روزیکه سوار اسب میشود و جلو عروس میرود اول دفعه است که آفتاب می شود .

سوارهاییکه همراه او هستند بدو دسته تقسیم میشوند یک دسته نزد داماد میمانند و دسته دیگر بعروس ملحق میشوند و عروس هم با همراهان خود که جمع کثیری هستند و تمام سوار اسبند جلو میآید در این موقع داماد باید رشادت و شجاعت خود را بروز داده و با وجود مقاومت طرف داخل چارچوب آنها شده و پارچه نازکی که روی سر عروس کشیده شده برداشته همراه ببرد

سوارهای همراه عروس که آنها هم از طرف داماد آمده‌اند داماد و سوارانش را تعقیب میکنند آنچه را ربوده از او پس میگیرند.
رسوم و بعضی از قوانین ایلات

سرجان ملکم مینویسد: ایلیات و احشامات ایران در چادرها زندگی و باختلاف موسم تبدیل مکان میدهند و عادتشان عادت سپاهیگری و بیابان گردیست و سکنای بیشتر این مردم در بلادیست که از دهنه خلیج عجم گرفته بخط موازی تا سواحل این دریا تا شوشتر و از آنجا بسمت شمال مغرب از جانب یسار دجله تا عمالک ارمنیه میرود و کرمان و تقریباً جمیع بلاد فارس و بعضی از عراق و تمام کردستان همه در داخل صفحات مزبور است.
قبایل ایران در معاف کردن خون و سفتهای مختلفه دارند. بعضی که مطلقاً راضی بکشتن خون نمیشوند لیکن اغلب از خون در میگذرند و اگر شخص قاتل کسی باشد و بخواهد که ورثه مقتول از کتله او در گذرند شمشیری با طناب سیاهی بگردن انداخته نزد وارث مقتول میرود و از او طلب قصاص میکند ورنه مقتول شمشیر را از گردن او باز میکنند و با اصطلاح او را می‌بخشند سپس خویشان قاتل، مجلس مهمانی برپا میکنند و ورثه مقتول را دعوت میکنند.

امراء قبائل در ایام آرامی مملکت غالب در پایتخت یا شهرهای حاکم نشین میمانند و گاهگاهی سری بقبیله میزنند و در ایام غیاب ایشان امور قبیله بسته برای و دستور ریش سفیدان طوایف است.

تنها فرقی که بین دو خانواده نروتمند و فقیر است تعداد چادرهاست که نشانه ثروت و مکنت شخص است. در ایلیات اوقات مردان اغلب به سواری و شکار و ورزش و کارهای لشکری میکنند و غذایشان غالباً نان و شیر و گوشت و دوغ است. چهره مردها بیشتر قهوه‌ای رنگ و سوخته است و این بجهت حرارت آفتاب بسیار در دیار آنها است. اما در اوایل جوانی از حسن و جمال بهره کافی دارند.

یک زن زحمتکش لر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کارخانه سیمان دز در رود

یکی از عملیات عمرانی سازمان برنامه در ناحیه لرستان ایجاد کارخانه سیمان در رود است.

اصولاً نیاز کردن مملکت از سیمان خارجی از هدفهای اساسی سازمان برنامه است. برای نیل باین منظور مهم و افزایش میزان تولید سیمان در داخل کشور تصمیم گرفته شد با ایجاد کارخانجات جدید و تکمیل و توسعه کارخانجات قدیم و همچنین کمک به صاحبان صنایع موجبات افزایش میزان تولید فراهم گردد. سیمان با کارهای عمرانی رابطه مستقیم دارد

سازمان برنامه بهمین منظور یعنی توسعه کارهای آبادانی و انجام برنامه‌های بزرگ عمرانی مانند سد سازی و کارخانجات بزرگ در سال

۱۳۲۴ دو کارخانه سیمان جمعاً به ظرفیت ۹۰۰ تن از کشورهای آلمان و انگلستان خریداری کرد.

کارخانه ۳۰۰ تنی آن که از کشور آلمان خریداری شد در لوشان نصب گردید و در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۸ بهره برداری آن آغاز شد و هم اکنون روزانه سیمد تن سیمان تولید میکند و محصول آن در بازار عرضه شده است.

کارخانه ۶۰۰ تنی آن در تاریخ چهاردهم آذرماه ۱۳۳۴ از کشور انگلستان خریداری شد و طبق قرارداد پس از ۱۵ ماه ماشین آلات آن بایران حمل گردید و بموازات حمل ماشین آلات عملیات ساختمانی کارخانه آغاز شد و بتدریج که لوازم بمحل کارخانه میرسید نصب گردیده و

روز ۲۱ شهریور ماه ۱۳۳۸ این کارخانه بدست اعلیحضرت همایون شاهنشاه افتتاح یافت. برای بیان اهمیت اقدامات سازمان برنامه کافی است گفته شود محصول سیمان کشور که در سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ فقط ۹۰ هزار تن بود بانصب کارخانه‌های سیمان فارس با مشارکت سازمان برنامه و سیمان کارخانه شهرری و کارخانه سیمان لوشان و کارخانه سیمان دورود و کمکهای مالی که به کارخانه‌های خصوصی شده در سال جاری بالغ بر ۵۸۵ هزار تن میگردد. این مقدار محصول فقط مربوط به کارخانه هائیت است که با اعتبارات سازمان برنامه ایجاد شده است و میزان کل محصول سیمان کشور نزدیک به ۸۰۰ هزار تن در سال میرسد.